

رقابتهای بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی روس در ایران

(۱۸۹۰-۱۹۱۴م / ۱۳۰۸-۱۳۳۲ق)

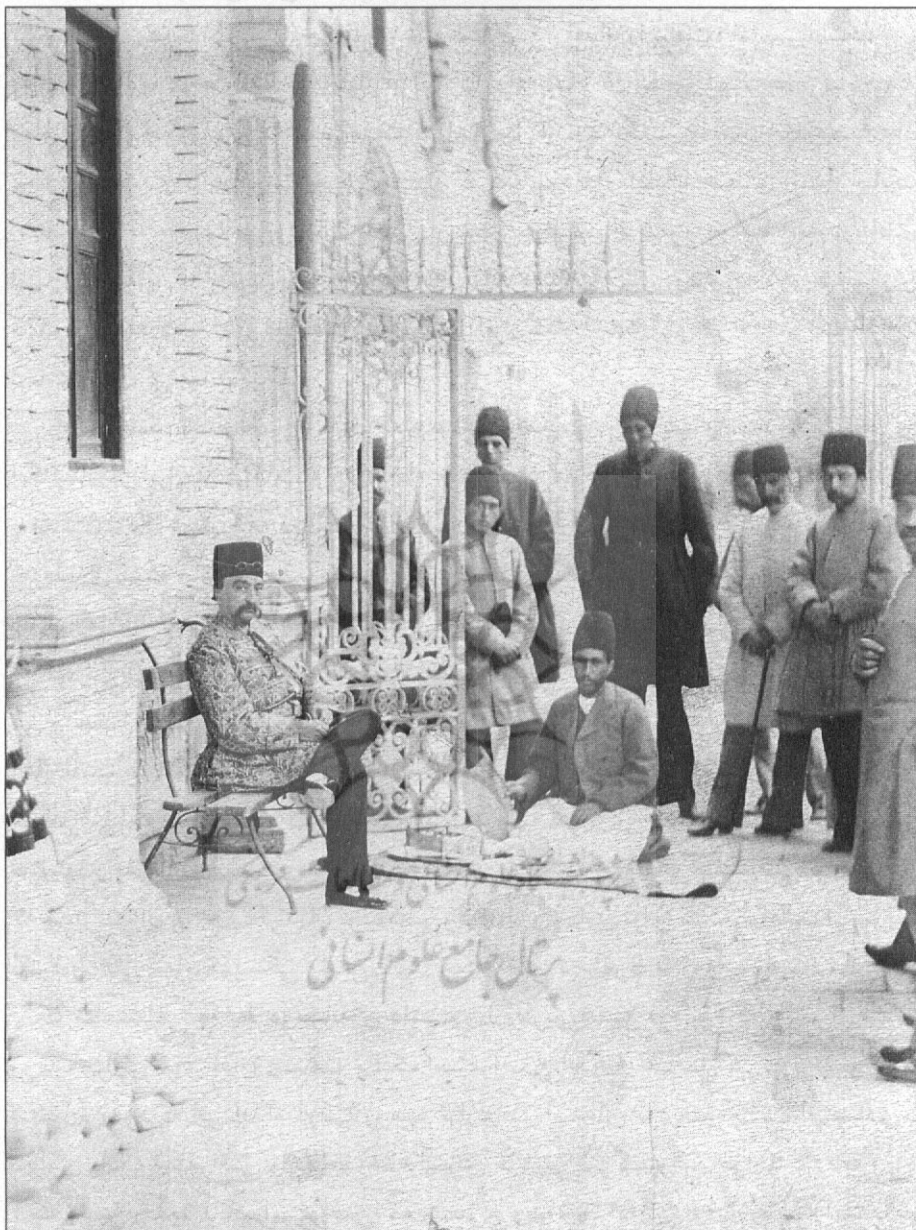
مظفر شاهی

هنگامی که طی سالهای ۱۸۸۸-۱۸۸۹م / ۱۳۰۶-۱۳۰۷ه.ق به ترتیب دو بانک شاهنشاهی و استقراضی در ایران فعالیت خود را آغاز کردند، از حضور و نفوذ سلطه‌گرانه دو کشور روسیه تزاری و انگلستان در عرصه سیاسی و اقتصادی ایران سالیانی طولانی سپری می‌شد. تقریباً همزمان با گسترش نفوذ این دو کشور در ایران — که به طور مشخص از اوایل دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰ق) در روندی تدریجی، ولی مداوم، آغاز شده بود — منافع البته نامشروع این دو قدرت به زودی در شئون مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران با یکدیگر دچار تلاقی و تضاد شدند و بدین ترتیب رقابت، اختلاف و کشمکشهای عمدتاً سیاسی و اقتصادی دیرپا و پایان‌ناپذیری میان دو طرف در ایران شکل گرفت. در این میان، دولت روسیه که به تبع دو جنگ تجاوزکارانه و استعماری منتهی به عقد قراردادهای گلستان و ترکمانچای (هر دو در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه) امتیازات نظامی، سیاسی و اقتصادی و قضایی قابل توجهی از قاجارها اخذ کرده بود، در طول سلطنت فتحعلی‌شاه و سپس محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) به رقابت دشوار خود با دولت بریتانیا ادامه داد. در دوران سلطنت محمدشاه اساساً در نتیجه رقابت روس و انگلیس، حاکمیت دولت ایران بر هرات و افغانستان از میان رفت و در همان حال، دولت روسیه مقدمات متنوع شدن قطعی اراضی وسیعی از خاک کشور در شمال شرق (خانات خیوه و بخارا و اراضی منتهی به سواحل شرقی دریای خزر) را فراهم آورد، که البته از سالهای نخست سلطنت ناصرالدین‌شاه و به‌رغم تلاشهای حکومت وقت، این قلمروهای وسیع به تدریج کاملاً از خاک ایران منتزع شدند. در طی دوران سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) رقابتها و کشمکش دو کشور روس و انگلیس در ایران عمدتاً در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی متمرکز شد و، در این میان، جاذبه‌های اقتصادی و

تجاری، به سرعت، سیاستگذاریهایی ریز و کلان این کشورها را در ایران تحت الشعاع قرار داد و، بدین ترتیب، طی دو دهه پایانی قرن نوزدهم (که در عرصه تحولات جهانی به درستی عصر امپریالیسم لقب گرفته است) هر دو کشور روس و انگلیس در رقابتی بسیار سخت از حکومت قاجار امتیازات اقتصادی، تجاری و سیاسی قابل توجهی گرفتند. بحث دربارهٔ چند و چون و روند اخذ این امتیازات پرشمار در حوصله این نوشتار نیست و فرصت دیگری می‌طلبد؛ با وجود این، یادآور می‌شود که تأسیس بانکهای شاهنشاهی ایران و استقراضی روس از مهم‌ترین و اثرگذارترین این امتیازات بود که اولی به نام اتباعی از بریتانیا اخذ شد و امتیاز بانک اخیر با یک سال تأخیر (و در سال ۱۸۸۹م) به اتباع روس واگذار شد. در این نوشته با عنایت به پیشینه طولانی رقابت دو کشور روسیه تزاری و بریتانیا در شئون مختلف (سیاسی، اقتصادی، نظامی) ایران به گونه‌ای گذرا و اجمالی زوایایی از فعالیت رقابت‌آمیز دو بانک شاهنشاهی ایران و استقراضی روس در عرصه‌های عمدتاً اقتصادی و سیاسی طی سالهای ۱۸۹۰-۱۸۱۴م / ۱۳۰۸-۱۳۳۲.ه.ق، که مقارن با آغاز جنگ جهانی اول است، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

چکیده

هنگامی که بانک شاهنشاهی ایران در سال ۱۸۸۸م / ۱۳۰۶.ه.ق در ایران تأسیس شد میان دو کشور روسیه و انگلستان در ایران رقابت سخت و دیرپایی وجود داشت. بدین ترتیب، پس از اعطای امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی به اتباع انگلستان، دولت روسیه نیز در روندی رقابت‌آمیز امتیاز تأسیس بانک استقراضی را از حکومت ایران دریافت کرد و، از آن پس، دو بانک شاهنشاهی و استقراضی در، شئون مختلف، فعالیت رقابت‌آمیزی را در ایران آغاز کردند. در این میان، هر دو بانک برای تضعیف موقعیت و جایگاه دیگری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از هیچ تلاش خلاف قاعده‌ای فروگذار نمی‌کردند. رقابتها - به ویژه در سیاست اعطای وام به حکومت و مردم ایران، فعالیت تجاری و اقتصادی، انتشار اسکناس (که امتیاز آن به بانک شاهنشاهی واگذار شده بود) و دهها مورد دیگر - تا سالها میان دو بانک تداوم پیدا کرد. هر چند قرارداد ۱۹۰۷م تا حدودی از دامنه رقابت‌های دو بانک در ایران کاست؛ اما، چنانکه منابع موجود نشان می‌دهد، این رقابتها تا سالها بعد ادامه داشت. در این مقاله رقابت دو بانک شاهنشاهی و استقراضی از هنگام تأسیس تا سال ۱۹۱۴م / ۱۳۳۲.ه.ق که مقارن با آغاز جنگ جهانی اول است، مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.



پیکار جامع علوم انسانی

شمارش پولهای مالیاتی توسط مستوفیان در حضور ناصرالدین شاه (۱۳۰۷ق) [۲۵۴۷-ع]

رقابت بانکی تحت الشعاع اختلافات سیاسی

بانک استقراضی طی سالهای نخست فعالیت چندان درصدد نبود با بانک شاهنشاهی رقابت کند و یا حداقل توان و امکان این اقدام را نیافت؛ اما سیاستگذاران روسیه تزاری، در هنگام اخذ امتیاز این بانک برای اتباع آن کشور، بالاخص به جنبه رقابتی آن توجه ویژه‌ای داشتند. مدت کوتاهی قبل از آن، انگلیسیها امتیازات اقتصادی - تجاری متعددی از حکومت مرکزی ایران گرفته بودند و اینک اعطای امتیاز بانک استقراضی به روسها می‌توانست اندکی از عطش رقابت آن کشور در مسابقه دریافت امتیازات متقابل با انگلستان در عرصه ایران را فرونشاند و نیز دولتمردان روسیه تزاری امیدوار بودند که با آغاز فعالیت این بانک در ایران نقش جدی‌تری در عرصه اقتصادی - تجاری ایران بر عهد بگیرند.

رقابت بانک استقراضی با بانک شاهنشاهی و مجموعه سرپلهای اقتصادی - تجاری انگلستان در ایران از هنگامی وارد مرحله جدی‌تری شد که، پس از ناکامی سیاستگذاران و مدیران بانک در توسعه فعالیت آن در ایران، دولت روسیه در سال ۱۸۹۷م سهام آن را خریداری کرده مستقیماً مدیریت و راهبری سیاسی - اقتصادی آن را عهده‌دار شد. از همان زمان به بعد بود که محافل تجاری - اقتصادی و نیز سیاسی بریتانیا در ایران به شدت نگران فعالیتهای بعدی خود در ایران شدند. در این میان، بانک شاهنشاهی می‌توانست آنی‌ترین رقیب بانک استقراضی در نظر گرفته شود. بگذریم از اینکه از همان آغاز تأسیس بانک استقراضی در سال ۱۸۹۰ میلادی مسئولان بانک شاهنشاهی و محافل سیاسی بریتانیا در تهران افتتاح این مؤسسه اعتباری جدید را سد راهی بر سر فعالیتهای بلامنازع اقتصادی - تجاری خود می‌دانستند؛ اما بانک استقراضی تا هنگامی که مدیریت آن بر عهده برادران پولیاکف بود خطری جدی برای بانک شاهنشاهی تولید نکرد و حتی شاسکولسکی رئیس بانک استقراضی در تهران با ژوزف رابینو مدیرکل بانک شاهنشاهی روابط دوستانه‌ای داشت و از طریق همین فرد بود که رابینو از طرح روسیه تزاری برای اداره مستقیم بانک استقراضی اطلاع حاصل کرد و خیلی زود استنباط نمود که این اقدام دولت روسیه تزاری در آینده‌ای نزدیک فعالیت اقتصادی - تجاری بانک استقراضی را به حوزه فعالیتهای سیاسی نیز گسترش خواهد داد؛ به ویژه آنکه رئیس جدید بانک استقراضی، که از سوی ویتة وزیر دارایی وقت روسیه استخدام و به تهران اعزام شد، بیش از هر چیز سیاستمدار بود تا متخصص در امور بانکی و اعتباری. بنابراین، رابینو مدیرکل بانک شاهنشاهی تا حد زیادی محق بود که چنین پیش‌بینی نماید:

تأسیس یک مؤسسه روسی، هر چند نامش بانک باشد، خطری فراوان در بر خواهد داشت؛ زیرا، در واقع، چنین بانکی یک مؤسسه کاملاً دولتی خواهد بود و به هنگام ضرورت چون حربه‌ای سیاسی به کار خواهد رفت. همین مطلب که بانک به ریاست کسی تشکیل می‌شود که از بانکداری یا هیچ نمی‌داند یا کم می‌داند مایه سوءظن است، آن هم با توجه به اینکه اعتراف کرده‌اند که غرض از تشکیل بانک جدید احیای قماری تجارتمی است که پیش از این آزموده‌اند و نتیجه‌اش باختن بوده است.^۱

بدین ترتیب، با حمایت‌های پرشمار سیاسی و نیز مالی - اعتباری دولت روسیه تزاری از بانک استقراضی، این مؤسسه به سرعت به لحاظ اداری و مالی تحول یافت و نفوذ سیاسی - اقتصادی آن در میان مردم از اقشار مختلف و نیز حکومت و دیرباریان و رجال گسترش پیدا کرد. بانک استقراضی دیگر آن «دکان رهنی» فاقد اعتبار سالهای نخست تأسیس در تهران و برخی شهرهای شمالی کشور نبود و ناظران وقت به وضوح شاهد تبدیل آن «به بانکی نیرومند» شده بودند که هر چه زمان بیشتری سپری می‌شد دامنه نفوذ و اقتدار اقتصادی و سیاسی آن گسترش چشمگیری می‌یافت.^۲ و این امر در درجه اول نگرانی مسئولان بانک شاهنشاهی را، که به حق تصور می‌کردند بانک استقراضی گستره فعالیت آنان را سخت مورد تهدید قرار خواهد داد، شدت می‌بخشید. با چنین زمینه‌ای بود که هر دو بانک استقراضی و شاهنشاهی خود را برای رقابتی سنگین و شدید آماده می‌کردند. عبدالحسین سپهر در همان اوان سیطره مستقیم دولت تزاری روسیه بر بانک استقراضی در سال ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۵ ه. ق درباره رقابت دو بانک استقراضی و شاهنشاهی و نتایج مترتب بر آن برای مردم ایران می‌نویسد:

بانک روس محض همچشمی با بانک انگلیس تمام خیالش این است که بانک خود را در دایره ایران منبسط کند و بانک انگلیس را از میان ببرد. بانک انگلیس هم همین خیال را دارد. در ضمن، مردم ایران پایمال این دو مستهلک می‌باشند و عن قریب است که تقدینه ایران واسطه بانک انگلیس و جواهرات و اشیاء دیگر ایران به واسطه بانک روس مفقودالاًثر خواهد شد.^۳

۱. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴). ترجمه منوچهر امیری. تهران، کتابهای جیبی،

۱۳۵۴. صص ۲۵۶-۲۵۷. ۲. همان، صص ۲۵۷-۲۵۸.

۳. عبدالحسین سپهر. مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین. کتاب اول، به کوشش عبدالحسین نوایی.

تهران، زرین، ۱۳۶۸. صص ۲۰۱-۲۰۲.

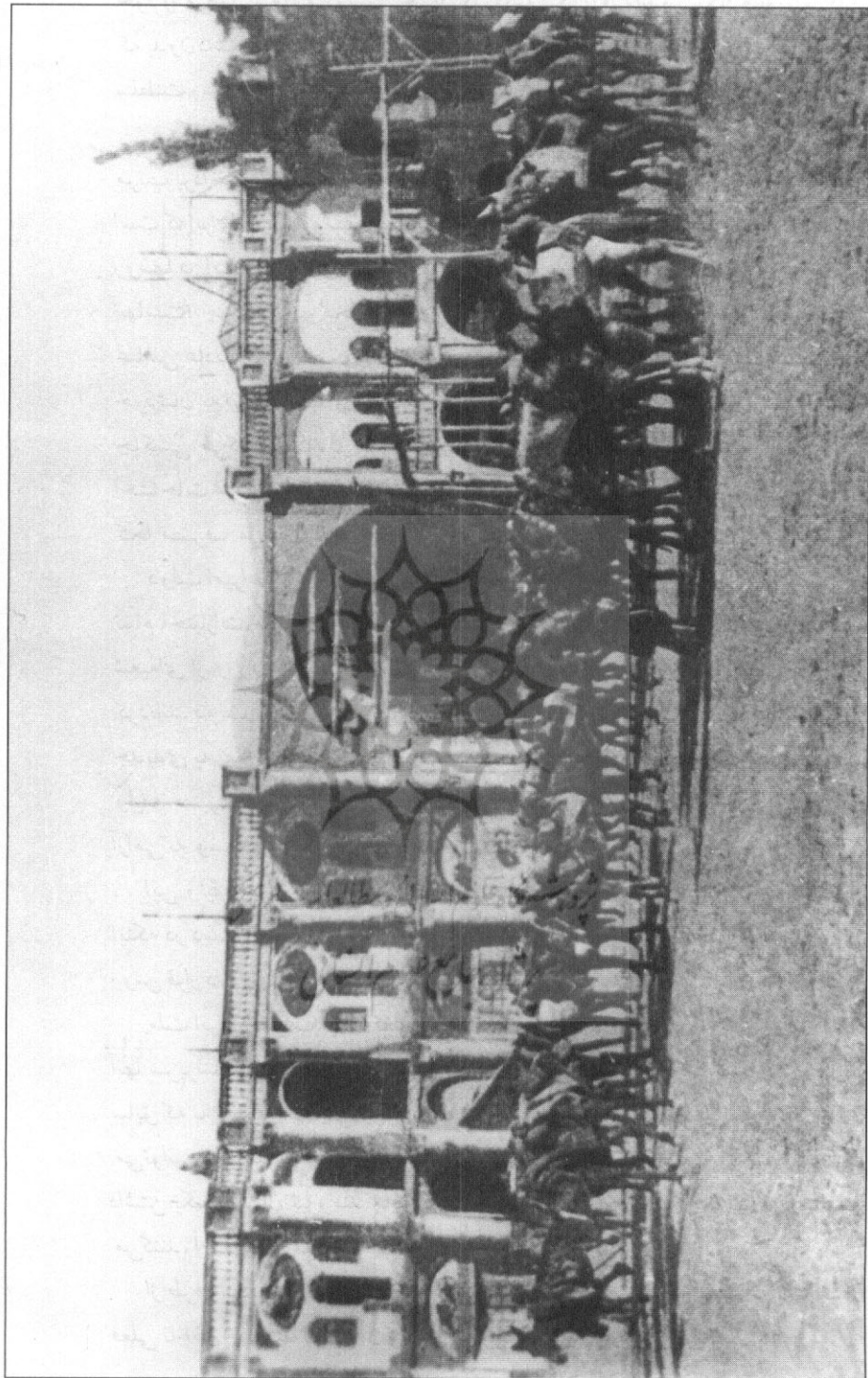
طی دوران رقابت دو بانک شاهنشاهی و استقراضی عمدتاً بانک اخیر موضعی تهاجمی تر داشت و به برکت اعتبارات قابل توجهی که دولت روسیه تزاری در اختیار آن قرار می داد در صحنه رقابت با بانک شاهنشاهی کمتر دچار بحران مالی می شد؛ به ویژه آنکه، در نهایت امر، روسها بیش از آنکه بیلان مالی بانک را مورد توجه قرار دهند به دستاوردهای سیاسی آن نظر داشتند. به همین دلیل بود که در کشمکش میان دو بانک «معمولاً انگلیسیها در موضع دفاعی» قرار داشتند و کمتر قادر می شدند بانک استقراضی را به چالش فرا بخوانند.^۴ همان گونه که تحولات بعدی نشان داد، روسها از طریق بانک استقراضی قادر شدند نه تنها در غالب موارد رقیب قدرتمند خود بانک شاهنشاهی را در موضع انفعالی قرار دهند بلکه نفوذ قابل توجهی در ارکان نظام سیاسی ایران پیدا کردند. چنانکه در دوره سلطنت مظفرالدین شاه روسها با بهره گیری از حمایتهای مالی بانک استقراضی توانستند حکومت و دربار ایران را تحت نفوذ بگیرند و، به تبع آن، نیروی قزاق ایران که در واقع منظم ترین قشون فعال کشور بود تحت سیطره مالی بانک استقراضی، که حقوق خود را مستقیماً از آن بانک دریافت می کرد قرار گرفت؛ و نیز روسها موفق شدند قراردادهای تجاری - گمرکی بسیار سودمندی با حکومت ایران منعقد نمایند و بخش عمده ای از سرپلهای مهم عایداتی کشور نظیر گمرکات شمال تحت سیطره روسها و بانک استقراضی قرار گرفت. این سیاست به حدی کارگر افتاد که انگلیسیها در طی سالهای نخست سده بیستم احساس می کردند روسیه تزاری قدرت فائقه و بلارقیبی در عرصه سیاسی - اقتصادی ایران به دست آورده است و در مقابل آنان قدرت هرگونه عرض اندامی را در مقابل روسها از دست داده اند.^۵

والتین چیرول انگلیسی از معاصران سلطنت مظفرالدین شاه، که در دستگاه وزارت خارجه بریتانیا خدمت می کرد، در تحلیل نفوذ روسها در ایران طی دوران سلطنت مظفرالدین شاه صراحتاً به نقش قابل توجه بانک استقراضی در پیشبرد سیاست روسها در ایران اشاره می کند:

قدمهایی که در این مدت روسها در ایران به مرور برداشته اند در نتیجه شاه و درباریان او کاملاً متمایل به روسها شده اند. روسها در بحر خزر و در تمام سرحدات شمالی ایران از تبریز تا مشهد در طرف شرق ایران تسلط نظامی پیدا کرده اند. در پایتخت و ایالات به وسیله بریگاد قزاق، تنها قشون منظم ایران، هر طور که اراده کنند دخالت می نمایند و حقوق قزاقخانه را نیز تأمین کرده اند و مرتب می رسانند. شاه سلطنت

۴. فیروز کاظم زاده، همان، ص ۴۰۳.

۵. ابراهیم تیموری، عصر یخبوری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، اقبال، ۱۳۵۷، صص ۲۴۲-۲۴۴.



کاروان حامل سکه‌های نقره، هنگام تخلیه محموله خود در بانک شاهنشاهی طهران - میدان توپخانه [۳۸۸-۱]

خود را مرهون سعی و کوشش جنرال کوزا کوفسکی (فرمانده بریگاد قزاق) می‌داند که بدون داشتن مدعی توانست به تاج و تخت ایران برسد و همان نیرویی که او را به سلطنت رسانید همان نیرو هم می‌تواند دست او را از سلطنت کوتاه کند.

بریگاد قزاق فقط از صاحب‌منصب خود اطاعت می‌کند که جیره و مواجب آنها را مرتب پرداخت می‌نماید. اعزام قزاق به ولایات و ایالات، به عنوان حفظ حکام، این است که برای روسها وسیله تبلیغ باشد و هم برای آنها جاسوسی کنند. امروزه روسها در ایران به نیروی شمشیر نیروی طلا را هم ضمیمه کرده‌اند. شاه جیره‌خوار آنهاست؛ چون شاه در مخارج خیلی افراط می‌کند و به هر شکل خوشگذرانی و عیاشی عادت کرده است و وزراء او هم نه تنها جلوگیری نمی‌کنند بلکه آنها هم به نفع خودشان به این اسراف و افراط کاری بیملاحظه کمک می‌کنند و خود برای شاه جاکشی می‌کنند. البته، در این صورت شاه، به دولتی متمایل می‌شود که آن دولت احتیاجات مالی او را رفع کند و حتی یک بار هم از او سؤال نکند این همه پول در کجا مصرف می‌شود.

دولت امپراطوری روس با پولهایی که در این چند ساله به دولت ایران قرض داده تمام اختیارات حکومت ایران را به دست آورده است. بانک استقراضی را، که شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه و یک مؤسسه نیرومندی است، در طهران ایجاد کرده‌اند. دولت امپراطوری روس، بدون اینکه ما اطلاع پیدا کنیم، قرارداد گمرکی جدیدی به نفع تجارت خود با ایران منعقد نموده و برای قرضه‌ای که به ایران داده وثیقه معتبری در اختیار خود گرفته است تا یک روزی ایران ورشکست شود و به آرامی به وسیله زور این وثیقه را تصاحب کند.

این وثیقه امروز توسط مستشاران بلژیکی رسماً اداره می‌شود ولی باطناً مثل اینکه در دست خودشان و بدون تردید در رأس آنها وزارت مالیه دولت امپراطوری روس قرار دارد.

ملت ایران خطرات آینده کشور خود را هیچ تمیز نمی‌دهد؛ دلیل هم این است که آنها سرپرست و رئیس ندارند. در هر حال، ایرانیها امروز درک می‌کنند که وسائل سابق که به وسیله آنها پس از لبریز شدن کاسه صبر و تحملشان بد آنها متوسل شده می‌توانستند از سوء سیاست و حکومت پادشاه یک سلسله جلوگیری کنند اکنون با داشتن یک پشتیبان نیرومند مانند دولت امپراطوری روس، که جداً از آن حمایت می‌کنند، آن وسائل مؤثر نیست.

از طرف دیگر، علائم زیادی آشکار است که بعضی از آن اشخاصی که از اوضاع فعلی ناراضی هستند انتظار آن روز را دارند که شاه و وزرای او نوبتشان سر آید و

روسیه آنها را برکنار کند و خود زمام امور حکومت مملکت را به دست گیرد. همین وضع امروزه در قسمت بختیاری و در نواحی دور دست کشور شاهنشاهی برقرار است و فرامین او ندرتاً بدون منازعه به مرحله اجرا درمی آید.

پشتیبان اعمال حکومت طهران، که برای مرکزیت ایران فعالیت می کند، دست نیرومند روسیه است. با این دست ممکن است مدارا یا کنار آمد ولی نمی توان مقاومت نمود.

ملخص کلام، دولت امپراطوری روس نتایج سیاست ماهرانه خود را که با مطالعه دقیق طرح ریزی شده و با پشتکار و جدیت تعقیب گشته و با دست مأمورین عالی رتبه تعلیم یافته، که مخصوصاً دارای معلومات کامل از حیث زبان و عادات مردمان آن مملکت هستند، اجرا شده برمی دارد. در اینجا بالطبع این سؤال پیش می آید: در این صورت اگر ایران امروز کاملاً در چنگال روسها گرفتار است پس دلیل چیست که آن را تصاحب نمی کند. جواب این سؤال بسیار آسان است. برای کسانی که سیاست دولت روس را در شرق مطالعه کرده اند می دانند که روسها یک همسایه ضعیف و ورشکست شرقی را به یک کشور ضمیمه شده ترجیح می دهند.

دولت روس به این نکته سری آگاه است که حکومت یک مملکت شرقی به دست صاحبان اسمی آنها بهتر اداره می شود به شرطی که آن مملکت ضعیف، فاسد و وظیفه خوار روسیه باشد. این خود یک تدبیری است توأم با حفظ ظاهر و رعایت معاهدات و قراردادهای موجوده. این عمل هیچ مخالفتی با اصل حفظ وضع فعلی ندارد. سایر دول هم کمتر حس مخالفت می کنند و خطر بین المللی هم خفیف تر است؛ و در این صورت بزرگترین استفاده را خواهد برد با کمترین مسئولیت.^۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رقابت در عرصه اعطای وام

مهم ترین عرصه رقابت دو بانک در ایران تلاش برای اعطای وام به حکومت ایران بالاخص در دوره سلطنت مظفرالدین شاه بود که در این رقابت سنگین بانک استقراضی بسیار قدرتمندتر از رقیبش بانک شاهنشاهی ظاهر شد و با اعطای چند وام سنگین به مظفرالدین شاه و تحمیل شروطی به مراتب سخت تر نفوذ سیاسی - اقتصادی روسیه تزاری در دربار ایران را به شدت افزایش داد؛ چنانکه وقتی بانک استقراضی وام سال ۱۹۰۰ میلادی را با شروطی سنگین در اختیار حکومت ایران قرار داد و پس از چندی مذاکرات جدیدی را برای اعطای وامی دیگر با حکومت ایران آغاز کرد، دولتمردان

انگلیسی سخت نگران شدند که بانک استقراضی با اعطای وامهای فوق به حکومت ایران نفوذ سیاسی و نیز اقتصادی - مالی انگلستان در ایران را به شدت تحلیل خواهد برد. از جمله کسانی که موضع انفعالی انگلستان در آن برهه را سخت مورد انتقاد قرار داد، لرد کرزن فرمانفرمای وقت هندوستان بود که در ماه مه ۱۹۰۱ طی نامه‌ای که، به شرح زیر، برای لنز داون وزیر خارجه بریتانیا فرستاد مراتب تأسف و نگرانی خود را از تقلیل نفوذ و اعتبار سیاسی - اقتصادی بریتانیا در ایران اعلام داشته نفوذ فوق‌العاده روسیه تزاری را برای منافع انگلیسیها به شدت زیانمند خواند:

در ماه سپتامبر ۱۸۹۹، که به شما گزارش دادم، آن ایام اوضاع خیلی بد بود و امروز به مراتب بدتر شده است. در مدت بیست و پنج سال گذشته حیثیت و اعتبار و نفوذ دولت انگلیس در ایران هیچ وقت به این درجه پست نشده بود. امروز شاه بر ضد ماست؛ چون که خزانه‌داری دولت انگلیس نظر به خودپسندی و ایرادهای بیجا پیشنهاد قرضه ایران را رد کرد؛ در صورتی که شاه مایل بود این قرض در لندن مورد موافقت واقع شود ولی مورد قبول قرار نگرفت و گذاشتیم شاه خود را به آغوش روسها بیندازد. چرا و به چه دلیل دولت انگلستان این رویه را در پیش گرفت؟ من تا به حال نتوانسته‌ام دلیل آن را بدانم؛ حتی در سال ۱۹۰۰ هم که شاه ایران مایل بود به لندن بیاید برای آن هم در لندن موانع ایجاد گردید.

صدراعظم ایران امین‌السلطان نیز بر ضد ماست. دلیل آن هم این است که در هنگامی که او در تبعید بود ما نسبت به او بی‌اعتنایی کردیم و گذاشتیم روسها او را دو مرتبه به صدارت برسانند. حال تمام دوستان و طرفداران ما از تهران تبعید شده‌اند و هر یک از آنها به نام حاکم در شهرهای دوردست به سر می‌برند. بانک روس در طهران به سرعت از بانک شاهنشاهی جلو افتاده قونسولگریهای روس در تمام شهرها تأسیس شده و به عده نفرات قزاق ایران که در تحت فرماندهی صاحب‌منصبان روس است، زیاده افزون گردیده و پیشقراولان آنها فعلاً به اصفهان رسیده‌اند و عن‌قرب عده‌ای از آنها را در شیراز، محمره و بوشهر خواهیم دید.

ما پیش خود تصور می‌کنیم به دولت ایران قدغن کرده‌ایم در جنوب ایران بدون صوابدید ما دست به ساختن راه‌آهن نزنند اما مهندسین دولت روس در تمام کشور ایران برای طرح‌ریزی و مساحی راهها در گردش و آمد و رفت هستند بدون اینکه کسی معترض [متعرض؟] آن بشود یا جلوگیری کند.

عده زیادی از اتباع دولت انگلیس در جنوب ایران متضرر شده‌اند و به منافع آنها زیان وارد گشته است. ما نمی‌توانیم دولت ایران را واداریم این ضررها را جبران کند. اکنون کشتیهای تجارتی روس، که از طرف آن دولت مساعدت مالی به آنها می‌شود،

راه خودشان را به خلیج فارس باز کرده‌اند. این تجارت مصنوعی، که روسها در خلیج فارس به کار انداخته‌اند، در دنبال آن ادعاهای حقوق سیاسی مصنوعی بیشتری ایجاد خواهد نمود. حکومت هندوستان آنچه که می‌توانست در این باب انجام داده است. ضمناً باید بگویم من اطلاع ندارم وزارت امور خارجه انگلستان در باب این مسائل چه اقدامی کرده است، آنچه که من می‌دانم هیچ. ما هنوز از این مرحله دور هستیم که یک سیاست مخصوص در این مسائل داشته باشیم.

حقیقت مطلب را بگویم، در پنجاه سال اخیر ما هیچ سیاست صحیح نداشته‌ایم. حال جسارت کرده آنچه را من فکر می‌کنم باید انجام شود می‌گویم و می‌توانم آن را در یک جمله بیان کنم: دولت انگلیس باید تصمیم بگیرد تا کجاها اجازه خواهد داد که روسها در جنوب ایران دست به تجاوز بزنند بدون اینکه دولت انگلیس مقاومت کند. لزومی ندارد که یک خط فرضی از وسط ایران ترسیم کند؛ من با نهایت جدیت تأکید می‌کنم که سر فرصت به طور عاقلانه از روی بصیرت و اطلاع باید یک سیاست بخصوص برای این مسائل اتخاذ کرد تا دولت انگلیس در اجرای آن بکوشد و حکومت هندوستان از آن پیروی کند و دولت ایران آن سیاست را صریح و روشن بداند و بفهمد.

دولت ایران هیچ نوع اطلاعی از مقاصد و نظریات نهایی ما ندارد که چیست، چونکه خود ما هم نداریم. امیدوارم شما آنچه را که من با کمال راستی و صداقت نوشته‌ام سوء تعبیر نکنید. البته واضح است شما تمام اینها را در یک روز ممکن نیست چاره‌سازی کنید. من، با نهایت درجه آرزو و جدیت، از شما تقاضا دارم در زمان تصدی خود در وزارت خارجه، که امیدوارم زمان طولانی باشد، مسئله ایران را از نظر دور نکنید؛ چون من مشاهده می‌کنم که ما به یک واقعه مانند پرت آرتور و عقد معاهده‌ای شبیه عهدنامه منچوری سوق داده می‌شویم. به طوری که نماینده رسمی دولت انگلیس در تهران برای من توضیح داده است در تمام مدتی که او در طهران ما موریت داشته او خود را مانند یک غریقی تصور می‌کرده که در یک گردابی گرفتار شده است.^۷

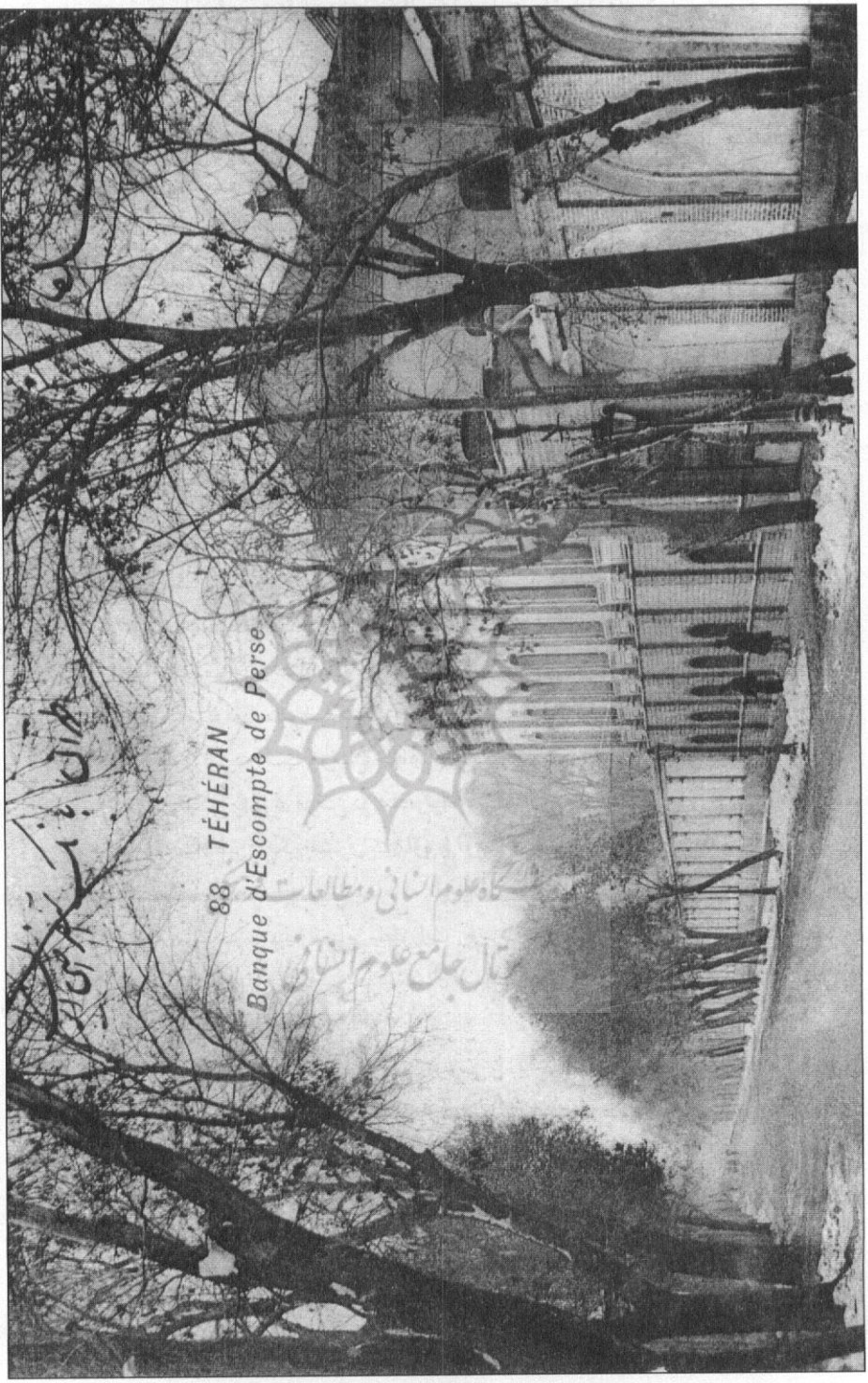
هنگامی که روسها پس از اعطای قرضه سال ۱۹۰۰م موفق شدند در سال ۱۹۰۲م وام دیگری به حکومت ایران بپردازند و باز هم تلاش انگلیسیها را برای پرداخت قرضه مورد تقاضای اولیای امور ایران ناکام گذاشتند این احساس در برخی از محافل انگلیسی به وجود آمد که روسها جهت توسعه نفوذ خود به بخشهای جنوبی تر ایران، که پیش از آن

تحت سیطره سیاسی و اقتصادی آنها قرار داشت، مشکل چندانی نخواهند داشت؛ به‌ویژه اینکه در همان زمان برخی از روزنامه‌های روسی نیز لزوم گسترش نفوذ روسیه تزاری به سوی قلمروهای جنوبی ایران تا خلیج فارس را گوشزد دولتمردان آن کشور می‌ساختند. در مقابل، نشریات انگلیسی نیز سیاستهای انفعالی آن کشور را به شدت زیر سؤال برده مورد شماتت قرار می‌دادند که در رقابت صرف پول در ایران صحنه را به روسها واگذار کرده‌اند و سیاستگذاران لندن را به عدم درایت و درک موقعیت سیاسی - اقتصادی اتباع انگلیسی در ایران متهم می‌ساختند و به آنها هشدار می‌دادند که هرگاه بیش از این سستی نشان داده نسبت به منافع بریتانیا بی‌توجهی نمایند در آینده‌ای نه‌چندان دور تمام سرپلهای اقتصادی و سیاسی ایران در اختیار روسها قرار خواهد گرفت. از جمله روزنامه تايمز چاپ لندن در سوم دسامبر ۱۹۰۲ در این باره چنین نوشت:

امروز مقاله چهاردهم از مقالات مفیده خبرنگار خودمان راجع به ایران در این روزنامه به طبع آمده. قرائت قسمتی از اخبارات خبرنگار ما حاکی از پست شدن مقام ما در ایران و فوت فرصتهای با قیمتی که محض ضعف خاطر از دست دادیم برای انگلستان و وطن پرست دولتخواه دردناک خواهد بود. از چهل سال قبل به بعد، آنچه که به علت تکاهل و بی‌بصیرتی ما باختیم دیگری در پیروی دائمی به فقرات و صایای پطرکبیر، که متجاوز از صد و پنجاه سال است گفته، به دست آورده (عین فقرات این است): «تعجیل کنید در زوال ایران داخل شوید به خلیج ایران و تجارت قدیم با لوانت را برقرار نمائید و برسید به هندوستان که خزینة عالم است.»

روسها در پیروی این وصیت و تحصیل مقصود چقدر ساعی‌اند و پیشرفته‌اند و چطور در این اواخر به تعجیل پیش می‌روند. از اخبارات خبرنگار ما مبرهن است دیر معلوم است که بیانات خبرنگار ما (از پیشرفتهای رقیب بزرگ ما در نقاطی از ایران که ما از دست دادیم) از شایبه غرض و مرض دور است وقتی به اقدامات مفیده صحیحه روس در ایالتی که به تحت قدرت آورده معترف است و از پیش‌بینی و عزم راسخی که روسها در تحصیل این مقام به کار برده‌اند تمجیدات می‌نماید تمام شمال ایران امروز در قریب چنگال روس است و حال مناسب نمی‌بیند که چنگال بر طعمه خود فرو برد؛ همین که وقتش رسید طعمه، بیچاره‌وار، در پیشش افتاده است. سربازخانه‌ها و معسکرهاى روس در اطراف ایران آماده است. راه‌آهن هم سرتاسر ایران برای حمل عساکر ساخته و در خود ایران هم راه مهیا کرده که عساکرش به طرف پایتخت یورش برند و مراقبت هم به عمل آورده که فقط لشکر ایران، که قزاق است، در تحت صاحب‌منصب روس باشد.

روس، که در عمل بنیان‌کنی و برانداختن دول نیمه تربیت شده کهنه استاد است،



نمای بیرونی بانک استقراضی ایران [۳۷۹۸-۴ع]

در تحصیل مقصود فقط به زور اتکاء ندارد بل در کشیدن قدرت اسیر خود تمهیدات مالی و تجارتی و پلتیکی [پلیتیکی] همه را به کار می‌برد. روسیه، چنانکه تمام اروپا می‌دانند، به هیچ وجه مملکتی متمول نیست؛ با وجود این، دلیری کرده متقبل قرض دادن به ایران شد و ما محض اینکه شنیدیم رهنی که ایران می‌دهد چندان محل اطمینان نیست خودمان را پس کشیدیم و حال روس ثمر اقدام خود را می‌برد و بانک استقراضی روس در ایران همان سبک را در پیش گرفته که بانک (روس و چین) در پکین دارد.

وزیر مالیه روس هم، که در امور نهایت سختی را دارد، نسبت به ایران اظهار سخاوت می‌نماید و باکی هم ندارد؛ زیرا که در موقع اضطرار لشکر روس پشت او ایستاده‌اند و در این بین هم وزارت مالیه در تحصیل صرفه و عوض پولهایی که می‌دهد مراقب است. مظفرالدین شاه در اتلاف پولها به هر طوری که می‌خواهد مورد خوشامد روس‌اند، هر قدر لالابالی‌تر و زودتر پولها را هبا و هدر سازند برای روس بهتر است؛ زیرا هر قدر بیشتر قرضشان می‌دهند بیشتر به دامشان می‌آرند و منظور ایشان را مجری می‌سازند. در مسئله تجارت قرار ملاحظه که در حق روسها داده شده مختصر نیست. در مسئله استقراض هم ایران را از همه دول بریده و به خود محتاج کرده. حال شنیده‌ایم مدت عدم استقراض از دول دیگر را الی ۱۹۱۲ ابتدا داده و دور نیست در استقراض دیگر مدت را بیشتر نماید و شکی هم نیست که به روس، که فقط قرض ده است توسل خواهند جست؛ زیرا که، از قراری که به ثبوت رسیده، شعف زندگی با پول قرض در ماده شاه هم همان اثر بی‌اختیاری و خرابی را دارد که در ماده سلاطین دیگر مشرق که تازه با اوضاع عالم تمدن آشنا می‌شوند.

عمل مالیات را هم شنیده‌ام به بلجیکها می‌دهند. بی‌شک آنها خودشان را در مسئله مالیات وسیله انجام منظورات روس خواهند ساخت؛ چنانکه در مسئله گمرکات کرده‌اند و در جنوب و شمال اسباب خسارت و شکست تجارت انگلیس را فراهم می‌آرند.

نویسندگان روس آشکارا و وصول روس را به خلیج عین نیل به مقصود می‌دانند و در خرابی دولت شاه و وصول به جنوب ایران عین وصول به مقصود را که هند باشد می‌بینند. در انگلستان هم بعضی خلیج را به روس هدیه می‌کنند و برخی دیگر آلمان را به حمایت آنجا دعوت می‌کنند؛ ولی ما با هیچ یک از این عقاید سهیم و شریک نیستیم. عقیده راسخ ما این است که قدرتی را که در جنوب ایران صد سال است تنها تحصیل کرده‌ایم به هر قسم که باشد، بی‌شراکت غیر، باید نگهداری کنیم. اقداماتی که در خلیج ایران کرده‌ایم و امنیت و آسایشی که در آن صفحات در این

مدت فراهم آورده‌ایم حقی به ما می‌دهد که دخل و تصرف در آن حق مورث خطر بزرگ برای هندوستان و استرالیای ما خواهد بود.

به هر حال، ما باید عقیده و پلتیکی [پلتیکی] را که لرد گران بورن سال گذشته در باب خلیج ایران در پارلمنت گفت به زبان سخت‌تر و آشکارتر بگوئیم و آن پولتیک [پلتیک] را به همه کسانی که دخیل‌اند آشکارا سازیم اگرچه در اجرای آن محتاج به سوق کشتیهای جنگی بشویم.^۸

بانک استقراضی برای به انفعال کشانیدن رقیبش، بانک شاهنشاهی، حداقل تا سال ۱۹۰۶ میلادی به سیاست بهره‌گیری از حربه پول ادامه داد بدون اینکه حساب سود و زیان اقتصادی موضوع را در مد نظر جدی قرار دهد. در مقابل، بانک شاهنشاهی و دستگاه دیپلماسی انگلستان غالباً از موضع دفاعی تلاش بسیار می‌کردند تا از این رقابت نفسگیر کمترین خسارات مادی و سیاسی را تحمل نمایند، با این حال، کاملاً واقف و معترف بودند که روسها از طریق بانک استقراضی در شئون مختلف دستگاه سیاسی و نیز سرپلهای مهم اقتصادی ایران، نفوذ زایدالوصفی به دست آورده‌اند.^۹

با آنکه بانک استقراضی، به لحاظ صرفه اقتصادی، غالباً بیلان مالی منفی‌ای ارائه می‌داد اما نفوذ و اقتدار آن در بخشهای مرکزی و شمالی ایران بسیار چشمگیر می‌نمود. چنانکه روزنامه ایران نو با اشاره به تلاشهای گسترده بانک استقراضی برای توسعه نفوذ تجاری - اقتصادی روسیه تزاری در ایران، در این باره می‌نویسد:

اگر بانک روس ادعای ضرر بکند برای این است که خودش وضع خود را به طرز غریبی درآورده و به دست خود تولید مشکلات نمود؛ مثلاً یک مدتی بانک روس برای پیش‌بندی از رواج تجارت انگلیس شروع کرد که به قوه جبریه تجارت روس را رواج دهد، اما نمی‌دانست که این رواج مصنوعی ثبات و دوامی نخواهد داشت؛ برای اینکه به اروپا حالی کنند که تجارت روس در ایران خیلی پیشرفت حاصل کرده چه اقداماتی که نکردند و حتی شهرت دادند که در نواحی جنوبی نیز نفوذ تجارتی پیدا شد؛ و از طرف دیگر، برای پیشرفت همین مقصود به هر قسم تشبث دست زدند؛ چنانکه بدون اینکه مثلاً از حال فلان تجارتخانه درست مطلع باشند و تحقیقات بکنند مبالغ کلی به آن تجارتخانه اعتبار می‌دادند و به اشخاصی که به هیچ‌وجه قابل اعتنا و اعتماد نبودند از تقدیم تعارف پیشکی و قرض و غیره

۸. همان، صص ۲۴۷-۲۴۸.

۹. علی‌اکبر سلیمی. استاد مجرمانه سیاسی یا سیاست انگلیس و روس در ایران قبل از جنگ. تهران، بی‌نا، ۱۳۱۱.

فروگذاری نمی نمودند و بالاخره با کمال جد و سعی میلیونها از چپ و راست خرج می کردند. به قدری شایعات دروغ در اروپا منتشر کرده اند که حالا سرمایه داران اروپا جرئت اینکه قدمی پیش بنهند ندارند.^{۱۰}

با تمام این احوال، روسها هرگز به طور جدی اقدامی برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، در قلمروهای جنوبی ایران به عمل نیاوردند. آنان، در هر حال، نفوذ و قدرت انگلستان در بخشهای جنوبی ایران را واقعیتی انکارناپذیر یافته بودند.^{۱۱}

موضوع اسکناسهای بانک شاهنشاهی

از مهم ترین امتیازات انحصاری بانک شاهنشاهی انتشار اسکناس بود. نشر اسکناس علاوه بر اینکه موقعیت بانک شاهنشاهی را تا جایگاه بانک دولتی ایران ارتقاء داده بود، مسئولان این بانک امکان آن را یافته بودند تا سیطره فائده ای بر کنترل و تنظیم اقتصاد پولی کشور اعمال کنند. تا آن هنگام، به رغم رواج برخی پولهای کاغذی خارجی در قلمروهای جنوبی و شمالی ایران نظیر روپیه هندی، مناط روسی و نیز لیره انگلیسی، عمده ترین معاملات و داد و ستدهای پولی از طریق بروات و اسناد تجاری و نیز مسکوکات فلزی انجام می گرفت.^{۱۲} بنابراین، اسکناسهای بانک شاهنشاهی اولین تجربه جدی پول کاغذی در ایران معاصر محسوب می شد؛ اما بانک شاهنشاهی برای جلب اعتماد عمومی به داد و ستد با اسکناسهای منتشر شده خود تا سالها دچار مشکل بود؛ به ویژه آنکه اقشار مختلف مردم ایران تا مدتها تردید داشتند که این پولهای کاغذی قادر به جایگزینی با مسکوکات و پولهای فلزی آنان باشد. به همین دلیل، زمان تقریباً زیادی سپری شد تا به تدریج مردم ارزش و اعتبار اسکناسهای بانک شاهنشاهی را به رسمیت بشناسند و بدان اعتماد نمایند؛ به ویژه اینکه بر چگونگی نشر و رواج اسکناسهای بانک از سوی دولت ایران کنترل دقیقی اعمال نمی شد و دستگاههای ذیربط دولتی در قبال این اسکناسها چندان وظیفه شناس و پاسخگو نبودند. بدین ترتیب، بانک شاهنشاهی با پشت سر گذاشتن بحرانهای خرد و کلان توانست بر مشکل پذیرش عمومی اسکناسهای خود فایق آید. از جمله ویژگیهای اسکناسهای بانک شاهنشاهی، که به رغم مشکلات

۱۰. روزنامه ایران نو، س ۱، ش ۵۳، شنبه ۱۰ شوال ۱۳۲۷، ص ۱.

۱۱. لودمیلا کولاگینا. استیلای امپریالیسم بر ایران. ترجمه سیروس ایزدی. تهران، علم، ۱۳۵۹. ص ۳۲.

۱۲. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷). به کوشش عبدالعلی جهانشاهی و دیگران. تهران، بانک ملی ایران، ۱۳۳۸. ص ۳۷.



اسکناس یک تومانی بانک شاهنشاهی که فقط در طهران قابل خرج کردن بود [۳۱۹-۱۲۴ط]

پر شمار متضمن اعتمادسازی عمومی نیز محسوب می شد، قابل تبدیل شدن آن به پول فلزی بود. در واقع، بانک شاهنشاهی طبق امتیازنامه اش موظف بود به محض ارائه اسکناس از سوی مشتریان و دارندگان اسکناس معادل فلزی آن را در اختیار آنان قرار دهد. در این میان، رقبای داخلی و خارجی بانک شاهنشاهی به منظور از اعتبار انداختن اسکناسهای این بانک بارها به اقدامات تخریبی و توطئه آمیز دست زدند که البته بانک استقراضی سهم قابل توجهی در این گونه اعمال بر عهده داشت. بانک استقراضی جهت سلب اعتماد عمومی از اسکناسهای بانک شاهنشاهی نهایت تلاش را به کار برد تا جایی که بانک شاهنشاهی بارها مجبور شد برای اثبات اعتبار اسکناسهای منتشر شده خود معادل فلزی آن را به مردم پرشماری که در اثر کارشکنیهای بانک استقراضی به شعب بانک هجوم آورده بودند تحویل دهد و اسکناس دریافت دارد. علاوه بر این، پذیرش اسکناسهای بانک شاهنشاهی بالاخص در میان توده مردم و کسانی که کمتر در امور تجاری و صرافی دخیل بودند با مشکلات جدی تری روبه رو شد و گروههای ذی نفوذ اقتصادی نظیر تجار و صرافان بزرگ مخالفتهای گاه و بیگاهشان با اسکناسهای بانک آگاهانه و به لحاظ رقابت تجاری - اعتباری صورت می گرفت. از سوی دیگر، بانک

شاهنشاهی، در همان اوایل فعالیت، جهت جلب اعتماد این گروه از صرافان و تجار عمده به اسکناسهای منتشر شده خود اعتبارات قابل توجهی از همین اسکناسها، بدون اینکه ربحی دریافت نماید، در اختیار آنان قرار داد و این سیاست بانک در رواج آن اسکناسها بسیار مفید افتاد.^{۱۳}

با این احوال، بانک استقراضی بارها با شایعه‌پراکنی و نیز برخی اقدامات نظیر ارائه یکباره مبالغی کلی اسکناس به شعب بانک شاهنشاهی جهت تبدیل آن به مسکوکات نقره‌ای این بانک را به زحمت انداخت.

حداقل از هنگام جنبش تنباکو و تحریک احساسات عمومی بر ضد منافع انگلیسیها در ایران گزارشهایی دربارهٔ طرحهای بانک استقراضی جهت ایجاد جو بدبینی عمومی نسبت به اسکناسهای بانک شاهنشاهی وجود دارد. چنانکه از گزارشهای مسیو دوبالوا سفیر وقت فرانسه در تهران برمی‌آید در همان زمان شورش عمومی بر ضد رژی، «روسها در صدد بوده‌اند هم خود را بر ساقط کردن بانک شاهنشاهی مصروف دارند» و نیز «بانک استقراضی روس [هم] مبارزه پر دامنه [ای در] مخالفت با اسکناسهای بانک شاهنشاهی» آغاز کرده بود؛ چرا که به نظر دوبالوا در آن هنگام «روسها خواستار برپا شدن شورشی بودند تا برای مداخله و برقراری مجدد نظم بهانه‌ای داشته باشند».^{۱۴}

بانک استقراضی جهت از اعتبار انداختن اسکناسهای بانک شاهنشاهی در برهه‌های مختلف بالاخص از همکاری قشری از تجار و صرافان ایرانی سود می‌برد که، در هر حال، به خاطر فعالیت بانک شاهنشاهی دچار مشکلات بسیاری شده و مقدار قابل توجهی از عایدات آنان رو به کاستی نهاده بود. به‌رغم پرده‌پوشیهای روسها و بانک استقراضی،^{۱۵} بانک شاهنشاهی در پشت صحنه اقدامات تخریبگرانه این قبیل صرافان و تجار داخلی بر ضد اسکناسهای بانک، توطئه روسها و بانک استقراضی را می‌دید. به خصوص، مدیرکل وقت بانک شاهنشاهی رابینو پس از آنکه «صرافها چند بار کوشیدند با هجوم به بانک و تقاضای تبدیل اسکناس به نقره بانک را دچار مشکل کنند و از اعتبار بیندازند... معتقد بود که روسها محرک این کار بوده‌اند».^{۱۶}

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه بانک استقراضی حداقل یک بار دیگر به طور جدی

۱۳. همان، ص ۳۷.

۱۴. نیکی. رکدی. تحریک تنباکو در ایران. ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی. تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۸. صص ۵۱-۵۲.

۱۵. و.ا. کاساکوفسکی. خاطرات کلنل کاساکوفسکی. ترجمه عباسقلی جلی. تهران، کتابهای سیمرخ، ۱۳۴۴. صص ۲۱۰-۲۱۷.

۱۶. منصوره اتحادیه (نظام‌مافی). اینجا تهران است.... تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷. ص ۳۴۰.

برای اسکناسهای بانک شاهنشاهی خطرآفرین شد و آن زمانی بود که بانک استقراضی در سطح شهر تهران شایع ساخت اسکناسهای بانک شاهنشاهی اعتبار خود را از دست داده‌اند و پس از این شایعه بسیاری از مردم برای نقد کردن اسکناسهای خود به بانک شاهنشاهی هجوم بردند. گویا در آن حادثه، بانک استقراضی یکی از صرافان به نام تهران، حاج سید اسماعیل، را نیز با مقاصد خود همراه ساخته بود. این فرد، پیش از آن، هرگاه مردم برای تبدیل اسکناسهای خود به مسکوکات نقره‌ای به او مراجعه می‌کردند با دریافت مبلغی صرف تقاضای آنها را برآورده می‌ساخت. اما به هنگام شایعه بی‌اعتباری اسکناسهای بانک شاهنشاهی او نیز، که البته از بی‌اساس بودن اصل قضیه مطلع بود، همگام با مقاصد اولیای بانک استقراضی از نقد کردن اسکناسهای موجود در دست مردم ابا ورزید.^{۱۷}

از آنجایی که گفته می‌شد بانک شاهنشاهی، با وجود تعهداتی که طبق امتیازنامه‌اش سپرده بود، به هنگام انتشار اسکناس نقدینگی بسیار نازلی در خزانه خود داشت و بخش اعظمی از مسکوکات نقره‌ای خود را در سایر امور تجاری - اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کرد،^{۱۸} بنابراین، بانک استقراضی در زمان تحریک افکار عمومی برای هجوم یکباره به بانک امیدوار بود که بتواند، حداقل برای مدتی، هرچند کوتاه، در فعالیت بانک شاهنشاهی وقفه ایجاد نماید، ضمن اینکه در برخی از موارد در این راه موفقیت‌هایی هم به دست می‌آورد.^{۱۹} چنانکه قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه) در خاطرات روز شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۲۱۵ خود به موردی از تلاشهای بانک استقراضی برای از اعتبار انداختن اسکناسهای بانک شاهنشاهی چنین اشاره می‌کند:

در این ایام هفت هشت روزی، بلکه زیاده‌تر، ضرابخانه برای اصلاح و مرمت دیگ بخار و غیره خوابید که آن ده هزار تومان به بانک نرسید. معاندین بانک مثل بانک روس و تومانیانس ارمنی و بعضی دیگر از تجار ایرانی و ارمنی اتفاق کرده اول بانک روس فرستادند پانزده هزار تومان اسکناس روانه کرده پول بدهد. مهلت خواسته معلوم داشت که به قدر پانزده هزار تومان هم حاضر ندارد. فرستاد که معادل چهارصد هزار تومان اسکناس تونزد من است یا پول بده یا گروهی و تنزلیل. سایرین هم عقب کردند. عوام بیدار شده هر کس اسکناس به دست گرفته به سمت بانک دوید. بانک هم از دولت ایران طلب خود را خواست. تمام وزرا و امین‌الدوله شهر

۱۷. محسن صدر. خاطرات صدرااشراف. تهران، وحید، ۱۳۶۴. صص ۱۴۶-۱۴۷.

۱۸. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه). خاطرات عین‌السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۷۶. ج ۲، ص ۱۱۷۱.

۱۹. منصوره اتحادیه، همان، ص ۳۴۰.

آمدند از تجار و رجال تنخواه قرض گرفته، خود بانک هم به مردم طلا داد؛ از قرار تومانی سیصد دینار تنزیل و پول سفید گرفته به مردم بدهد. ضمناً آنچه قران قلب و ضایع در این مدت، چه خودش جمع کرده بود و چه در نزد [اشخاص دیگر] سراغ داشت، به میان آورده با کمال منت مردم گرفتند و تومانی ده شاهی هم از اصل اسکناس کم کرد. بانک روس هم طلا گرو گرفته و تنزیل به تنخواه خود بست.

من جمله من چهل تومان اسکناس داشتم؛ شمران که برندا شدند. افخم الدوله به شهر می رفت برد تومانی ده شاهی کم کرد و اغلب قرانهایش ضایع و بدون صرف بود. این داد و بیداد تا پنج شش روز بود. به کلی اسکناس و اخورد و احدی دیگر بر نمی دارد مگر اشخاصی که با بانک طرف معامله می باشند.

ضرابخانه راه افتاده پول هم در بانک موجود است؛ اما کسی جرئت نگاه داشتن اسکناس را نمی کند. حالا اگر من بعد اعتباری پیدا کند نمی دانم اما خوب مداخلی کرد؛ لیکن بی اعتبار شد و شکست خورد. دیگر این بانک آن بانک اولی نخواهد شد. روسها دماغی داشتند که همچو تدبیری کرده و فتح نمودند.^{۲۰}

از جمله اقدامات بانک استقراضی جهت بی اعتبار کردن اسکناسهای بانک شاهنشاهی انتشار شبنامه ها و اعلانهای گمراه کننده ای بود که طی آن به مردم کوچه و بازار هشدار داده می شد از قبول اسکناسهای بانک شاهنشاهی اجتناب ورزیده دارایی خود را به باد فنا ندهند؛ چنانکه یک بار در سال ۱۳۱۸ ه. ق یکی از کارگزاران حکومتی درباره اعلامیه ای که با عنوان فوق در سطح شهر تهران پراکنده شده بود چنین گزارش داد:

رپورت: اعلانی به دیوار... پامنا دیدم چسبانده بودند از قول بانک روس به این مضمون که محض دولتخواهی ایران و رعیت ایران عرض می کنم هر چند من با بانک انگلیسی یک دین می باشم، ولی دلم به جهت اهالی ایران می سوزد. امروز فردا [بانک انگلیسی] خواهد رفت و این اسکناسها به دست مردم می ماند. چاکر هم چه می فهمم مردم شورش خواهند نمود و در نبودن شاه این حرکت باعث اغتشاش کلی خواهد شد. هر کسی که این کار را کرده است دشمنی با دولت داشته است.^{۲۱}

متن اعلامیه فوق، که طی آن از قول یکی از کارمندان بانک شاهنشاهی به مردم کشور هشدار داده است از قبول اسکناسهای بانک شاهنشاهی اجتناب ورزیده و آنچه

۲۰. قهرمان میرزا سالور، همان، ص ۱۱۷۲.

۲۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ج. ۱. ایران، سال ۱۳۱۸ ق، کارتن ۲۲، پوشه ۱۰.



دکتر رابینو رئیس بانک شاهنشاهی [۴۲۶۵-۴۶]

اسکناس در نزد خود دارند به بانک مزبور مسترد داشته مسکوکات رایج کشور را دریافت نمایند، به شرح زیر است:

من کارمند بانک شاهنشاهی هستم و مسلمانم. محض حمیت مسلمانی اطلاع می‌دهم: بانک هم دست و پای خود را جمع کرده سی کرور بلیت به دست مردم بیچاره، همین دوروزه به لجاج استقراض ایران از روس دعوی بر شکستگی می‌کند. احتمال فرار هم دارد. اگر گرفتار شدم خلاصی من بسته به غیرت مسلمانان است. ۲۲

در پی انتشار این اعلامیه، که هیجانی در میان مردم پایتخت ایجاد کرده بود دولت

ایران تلاشهایی برای یافتن و دستگیری مرتکبین این اقدام تخریبگرانه انجام داد اما نتیجه‌ای گرفته نشد.^{۲۳}

بانک استقراضی طی سالهای بعد باز هم از تلاش برای از اعتبار انداختن و سلب اعتماد عمومی از اسکناسهای بانک شاهنشاهی باز نایستاد و هر بار به انحاء مختلف در این راستا اقداماتی صورت داد؛ از جمله هنگامی که به موجب شروط قرضه‌های سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ میلادی دولت ایران موظف شد کلیه عایدات گمرک شمال کشور را مستقیماً به بانک استقراضی واریز کند تا پس از کسر اقساط قروض فوق مازاد عایدات را به خزانه حکومت ایران مسترد دارد،^{۲۴} به هنگام واریز عایدات نقدی گمرکات شمالی به بانک استقراضی مسئولان این بانک از قبول اسکناسهای بانک شاهنشاهی استنکاف ورزیدند و تقاضا کردند عایدات فوق لزوماً باید به صورت نقدینگیهایی غیر از اسکناسهای بانک شاهنشاهی پرداخت شود. بانک استقراضی در نظر داشت با این اقدام خود اعتماد عمومی را از اسکناسهای بانک شاهنشاهی سلب نماید؛ چنانکه سفارت انگلستان در تهران ضمن گزارشهای ماه مارس ۱۹۰۴ خود در این باره چنین نوشت:

اخیراً توسط بانک روس شعبه رشت تلاشی صورت گرفته است تا نوتهای [اسکناسهای] بانک شاهنشاهی را بی اعتبار سازد. مطابق موافقتنامه قرضه روس به ایران، عایدات گمرکات دریای خزر توسط بانک استقراضی روس جمع‌آوری و به تهران ارسال می‌شود. بخش اعظم عوارض گمرکی به صورت نوت [اسکناس] پرداخت می‌شود و بانک استقراضی روس عقیده دارد که با امتناع از قبول نوتها از گمرکات، آنها وادار خواهند شد از پذیرفتن نوتها از مردم خودداری کنند. دولت ایران، به هر حال، طبق امتیازنامه بانک شاهنشاهی موظف به قبول اسکناسهای این بانک است. در شرایطی که بانک شاهنشاهی شعبه رشت معادل نوتها را به طور کامل پرداخت می‌کند بنابراین گمرکات انزلی باید وجه را به صورت اسکناس دریافت کند.....^{۲۵}

گو اینکه اقدامات بانک استقراضی در این باره به جایی نرسید؛ اما مسئولان این بانک در مقاطع مختلف دیگر باز هم به اقداماتی مشابه دست زدند تا بلکه مدتی مدیران بانک

۲۳. همان.

۲۴. مهم‌ترین و سنگین‌ترین قروض بانک استقراضی روس به حکومت مظفرالدین‌شاه در سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲م پرداخت شد و شروط تحمیلی گسترده‌ای داشت.

25. Iran Political Diaries: 1881-1955, [14 volume], General Editor: Dr R.M.Burrell, Research Editor: Robert L.Jarman, Archive Edition. 1997. vol.2, p. 310.

شاهنشاهی را تحت فشار قرار دهند؛ چنانکه یک بار هاردینگ در شانزدهم اوت ۱۹۰۵ طی گزارشی خطاب به لنز داون وزیر خارجه انگلستان در لندن نوشت:

سیستان:—گزارش رسیده است که بانک روس از قبول اسکناسهای بانک شاهنشاهی برای بازپرداخت قرضهای کدخدا طفره رفته است. به هر حال، مأمور روسی این گزارش را تکذیب می‌کند.^{۲۶}

این‌گونه اقدامات بانک استقراضی بر ضد اسکناسهای بانک شاهنشاهی تا هنگام انعقاد قرارداد ۱۹۰۷؛ بین روسیه تزاری و دولت انگلستان ادامه یافت و بانک شاهنشاهی، با وجود تمام مشکلاتی که بانک استقراضی از این رهگذر بر سر راه فعالیت این بانک ایجاد می‌کرد، با اعمال سیاستهای ویژه بحرانهایی از این نوع را پشت سر گذاشت.^{۲۷} فیروز کاظم‌زاده به یکی از واپسین تلاشهای ناموفق بانک استقراضی برای از اعتبار انداختن اسکناسهای بانک شاهنشاهی در روز چهارشنبه ۱۴ مارس ۱۳۲۴/۱۹۰۶. ق چنین اشاره می‌کند:

چهارشنبه ۱۴ مارس ۱۳۲۴/۱۹۰۶ ق رئیس بانک روس، ا.ک. گروبه عده‌ای از صرافان را (که کارهای بانکی روزانه را در بازار انجام می‌دادند) دعوت کرد تا در جلسه‌ای که قرار بود در بانک تشکیل شود شرکت جویند و در آنجا آنان را برانگیختند تا در یک وقت معین برای گرفتن پول به بانک شاهنشاهی ایران هجوم آورند. گروبه بر آن بود که اگر به حد کافی اسکناس به بانک شاهی عرضه شود مسکوکات آن بانک پایان خواهد یافت و تا تهیه مسکوکات جدید پرداختی صورت نخواهد گرفت و در نتیجه درهای بانک به روی مردم بسته خواهد شد و این کار؛ حتی اگر موقتی هم باشد، ضربتی خردکننده بر اعتبار بانک فرود خواهد آورد.

روز دوشنبه ۱۹ مارس هجوم به بانک آغاز شد. انبوهی از مردم اسکناسهایی به مبلغ ۵۴۰,۰۰۰ قران (۵۴,۰۰۰ تومان) به بانک شاهنشاهی عرضه کردند. در این گیر و دار قاصدی از طرف بانک روس با اسکناسهایی به مبلغ ۸۰۰,۰۰۰ قران فرا رسید. شمردن سکه کاری است که به کندی صورت می‌گیرد. قاصد بانک روس چنان مشتاق پایان یافتن ذخیره نقره بانک بود که پیشنهاد کرد که پول را نشمرده از بانک تحویل گیرد. روز به پایان نرسیده بود که بانک در مقابل دریافت اسکناس

26. Ibid, vol.2, p.423.

۲۷. اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم: گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران (۱۹۰۴-۱۹۰۵م/۱۲۸۳-۱۲۸۴ش). ترجمه محمد عوادزاده و دیگران. تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر ایران، ۱۳۷۶. ص ۳۷.

۱,۳۴۰,۰۰۰ قران پرداخته بود. روز سه‌شنبه بانک ۵۰۰,۰۰۰ و روز چهارشنبه ۳۷۸,۰۰۰ قران دیگر پرداخت. پنجشنبه مصادف با نوروز بود و در روز آدینه، مانند معمول، معامله‌ای صورت نگرفت. روز شنبه ۲۴ مارس بانک باز در برابر اسکناسهایی به مبلغ ۳۲۹,۰۰۰ قران نقره تأدیه کرد. مبلغ کل پرداختی بانک در ظرف آن چهار روز به ۲,۵۴۷,۰۰۰ قران شد که ۱,۶۴۷,۰۰۰ قران آن را مردم مطالبه کرده بودند و ۹۰۰,۰۰۰ قران آن را مأموران بانک روس. باری، ذخایر بانک شاهنشاهی ایران کفایت کرد و نقشه هجوم به بانک شکست خورد.^{۲۸}

بانک استقراضی برای مقابله با اسکناسهای بانک شاهنشاهی شگرد دیگری نیز به کار برد و آن نشر نوعی پول کاغذی مشابه اسکناسهای بانک شاهنشاهی بود.^{۲۹} بانک شاهنشاهی طبق امتیازنامه‌اش تنها بانک ناشر اسکناس در ایران شناخته می‌شد و اینک بانک استقراضی با نشر این اوراق اعتباری حق انحصاری بانک شاهنشاهی را نقض می‌کرد. بانک شاهنشاهی، با توجه به خطری که از این ناحیه اسکناسهای منتشر شده آن را تهدید می‌کرد، به شدت به این اقدام بانک استقراضی اعتراض کرد و سفارت بریتانیا در تهران را به یاری طلبید تا از طریق دولت ایران بانک استقراضی را از تداوم نشر این اوراق باز دارد؛ اما نه این پولهای کاغذی بانک استقراضی توانست در درازمدت به طور جدی برای اسکناسهای بانک شاهنشاهی خطر ساز باشد و نه اینکه دولت ایران قادر شد بانک استقراضی را به جلوگیری از نشر این اوراق باز دارد. فیروز کاظم‌زاده درباره این اوراق اعتباری منتشر شده از سوی بانک استقراضی و نتایج حاصل از اعتراضات بانک شاهنشاهی به این اقدام بانک استقراضی می‌نویسد:

اگرچه بانک شاهنشاهی ایران دارای اجازه انحصاری انتشار اسکناس بود، بانک استقراضی روس در اکتبر ۱۹۰۳/۱۳۲۱ق شروع به انتشار چیزی کرد که آن را «de caisse bons» (حواله صندوق) می‌نامید. این حواله قابل پرداخت به حامل بود و مؤسسه‌ای آن را تضمین کرده بود که دارای حد اعلای اعتبار بود. این اوراق بهادار ارزش پول را داشت و انتشار آنها در حکم تجاوز به حق امتیاز چاپ اسکناس بود که به بانک شاهنشاهی اختصاص داشت. رئیس بانک شاهنشاهی، جوزف رابینو، در این باره به هاردینگ شکایت برد و او به وزیر امور خارجه نصرالله‌خان مشیرالدوله اعتراض کرد. در ۱۱ اکتبر جلسه‌ای برای بحث در این مسئله تشکیل

۲۸. فیروز کاظم‌زاده، همان، ۴۳۰-۴۳۱.

۲۹. ویلم فلور. جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران، توس، ۱۳۵۶. ج ۲، صص ۲۱۵-۲۱۶.

شد؛ اما هاردینگ و مشیرالدوله و نوز و رابینو و دیگران در هیچ یک از موارد توافق نکردند. پرونده این کار سالها مفتوح بود.^{۳۰}

کنترل ضرابخانه و واردات نقره

از اسکناسهای بانک شاهنشاهی که بگذریم، رقابت دو بانک شاهنشاهی و استقراضی برای کنترل ضرابخانه و نیز ورود شمش نقره از کشورهای خارجی برای ضرب سکه از همان اوایل فعالیت این دو بانک آغاز شد و تقریباً تا پایان فعالیت بانک استقراضی در ایران با نوساناتی چند کماکان ادامه داشت. در واقع، دولت ایران هیچگاه اداره مستقیم ضرابخانه را در اختیار هیچیک از این دو بانک قرار نداد اما از اعمال نفوذ هر یک از این دو بانک در اداره ضرابخانه، که ارتباط مستقیمی با تجارت و ورود شمشهای نقره داشت، نمی توانست به طور جدی جلوگیری به عمل آورد. در واقع، ورود نقره از کشورهای خارجی برای ضرب مسکوکات نقره‌ای تجارت پرسودی محسوب می شد و هرگاه یکی از این دو بانک قادر می شد حق انحصاری ورود این فلز گرانبها را به دست آورد حداقل به لحاظ مالی - اقتصادی موقعیت بهتری پیدا می کرد.^{۳۱} گویانکه بر اثر اختلاف این دو بانک بر سر واردات نقره برخی اوقات حکومت ایران ترتیباتی اتخاذ می کرد که هر یک از آن دو بانک به نوعی در تجارت آن سهم شوند؛ اما عمدتاً این بانک شاهنشاهی بود که بیشترین سهم را در واردات نقره و تحویل آن به ضرابخانه برای ضرب سکه به دست می آورد. برای نمونه، سفارت انگلستان در تهران در طی گزارشهای ماه مه ۱۹۰۳ خود به وزارت خارجه کشور متبوعش به تلاشهای ناموفق بانک استقراضی برای پیشی جستن بر بانک شاهنشاهی در اعمال نفوذ در ضرابخانه و تجارت نقره چنین اشاره می کند:

روسها به کوششهای خود جهت تحصیل انحصار مقاطعه ضرابخانه و سکه زنی ایران برای بانک خودشان ادامه می دهند. با این حال، بانک شاهنشاهی هنوز در این مورد موقعیت برتر خود را حفظ کرده است و، در طی این ماه، یک سفارش قابل ملاحظه برای خریداری نقره دریافت کرده است.^{۳۲}

۳۰. فیروز کاظم زاده، همان، ص ۳۴۰.

۳۱. هما ناطق. بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تباکو. پاریس، خاوران، ۱۳۷۱. صص ۱۶۴-۱۶۶ و ۲۸۴-۲۸۷.

32. Iran Political Diaries, vol. 2, p. 161.

طی سالهای بعد باز هم بانک استقراضی برای به دست آوردن سهم بیشتری در تجارت نقره و کنترل ضربخانه به تلاشهای خود ادامه داد؛ اما به ندرت توانست در این باره با بانک شاهنشاهی به رقابتی جدی دست بزند. بانک شاهنشاهی هر ساله قراردادهای خرد و کلانی برای واردات نقره با دولت ایران منعقد می ساخت و مسئولان بانک استقراضی بیشتر از موضعی دفاعی با این قضیه برخورد می کردند؛ چنانکه وقتی بانک شاهنشاهی طی سالهای پایانی دهه ۱۳۲۰ قمری واردات نقره خود را از پرداخت هر گونه عوارض گمرکی معاف ساخت، بانک استقراضی، که گمرکات شمالی ایران را تحت سیطره داشت، از اینکه نقره سفارشی بانک شاهنشاهی، که بخش مهم آن از گمرکات شمالی ایران وارد کشور می شد، بدون پرداخت عوارض گمرکی ترخیص گردد، ابا ورزید و، علاوه بر مدیریت بانک استقراضی، مسئولان سفارت روسیه تزاری نیز مراتب اعتراض خود را نسبت به معافیت گمرکی شمشهای نقره وارداتی بانک شاهنشاهی از طریق راههای شمالی ایران اعلام کرده خواستار لغو آن شدند.^{۳۳}

وزارتخارجه روسیه نیز، ضمن تلگرافی به شرح زیر، در دوم ژوئن ۱۹۱۰ از سفیر آن کشور در تهران خواست تا مخالفت صریح دولت روسیه با هرگونه معافیت گمرکی نقره های وارداتی بانک شاهنشاهی از طریق گمرکات شمالی را به دولت ایران اعلام نماید:

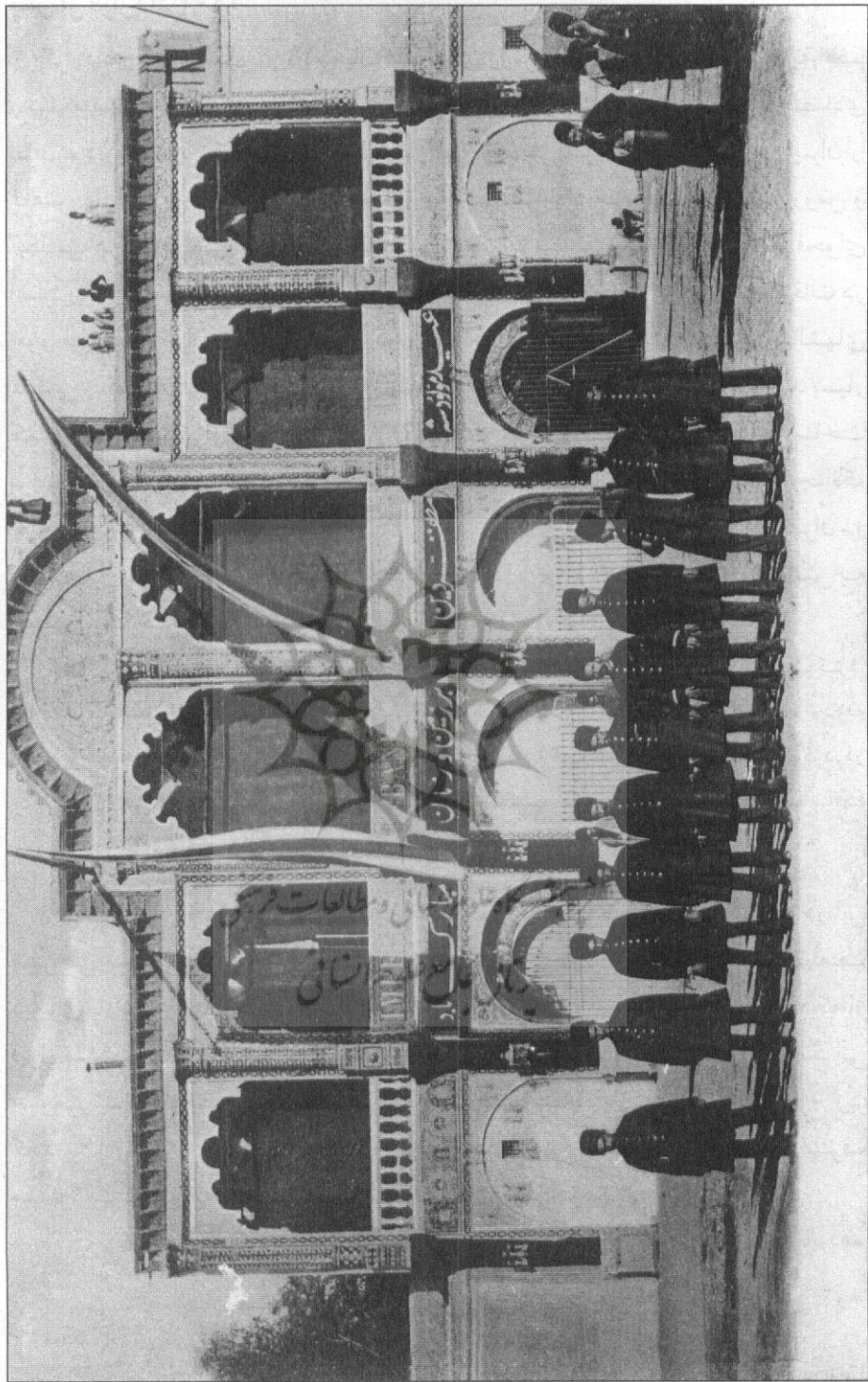
تلگراف ۲۹ مه [۱۱ ژوئن / ۲۱ خرداد] دریافت شد؛ به اطلاع سفیر در لندن خواهد رسید. لطفاً با شدت بر ضد بخشنامه معافیت گمرکی ورود نقره بر ضربخانه اعتراض کنید و به دولت ایران اعلام کنید که ما به هیچ وجه این مسئله را در مورد گمرک شمال، که درآمد آن تضمین وامهای ما می باشد، اجازه نخواهیم داد.

امضاء: ایزولسکی^{۳۴}

با اعتراض شدید روسیه تزاری، دولت ایران چاره ای جز لغو دستور پیشین درباره معافیت گمرکی نقره وارداتی بانک شاهنشاهی از طریق گمرکات شمالی ایران نیافت و وزیر مالیه وقت ایران به سفارت روسیه در تهران «اطمینان داد که این دستور در آن هنگام که او به علت استعفای کابینه وزارتخانه را اداره نمی کرد داده شده و اکنون لغو شده است.»^{۳۵}

۳۳. کتاب نارنجی. به کوشش احمد بشیری. ترجمه پروین منزوی. تهران، پرواز، ۱۳۶۸. ج ۴، صص ۱۳۵-۱۳۶.

۳۴. همان، صص ۱۳۷-۱۳۸. ۳۵. همان، ص ۱۵۱.



اجتماع جمعی از فراشان دربار در مقابل ساختمان بانک شاهی به مناسبت تولد مظفرالدین شاه [۴۶۷-۴۱ع]

پس از قرارداد ۱۹۰۷

قراردادی که در سال ۱۹۰۷م میان کشورهای روس و انگلیس در مورد ایران به امضا رسید متضمن پایان دادن به مخاصمات دیرپای دو کشور در عرصه سیاسی - اقتصادی ایران بود و البته این قرارداد میزان قابل توجهی از تنش موجود دو کشور در ایران را کاهش داد؛ اما برخلاف انتظاری که از روح این قرارداد می‌رفت دو کشور روس و انگلیس هرگز رقابت‌های دیرین را به طور کامل به فراموشی نسپردند و، چنانکه از فحوای اسناد و مدارک برجای مانده برمی‌آید، به‌رغم سیاستهای واحدی که در غالب اوقات در امور مربوط به ایران اتخاذ می‌کردند در برخی موارد به طور پیدا و پنهان چالش‌های قدیمی را کماکان ادامه می‌دادند.^{۳۶} از جمله مواردی که رقابت در کشور، هر چند بسیار کمتر از دوران پیش از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷، گاه و بیگاه چهره خود را نمایان می‌ساخت برخوردار بین دو بانک استقراضی و شاهنشاهی بود که تقریباً هیچ‌گاه ترک نشد؛ چنانکه حدود دو سالی پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ سر جرج بارکلی سفیر انگلیس در تهران در سیزدهم اوت ۱۹۰۹ طی گزارشی به سر ادوارد گری وزیر خارجه دولت متبوعش به رقابت بانک استقراضی با بانک شاهنشاهی چنین اشاره کرد:

مستر کورتین مدیر بانک روس در اوایل ژوئیه مشهد را به قصد تبریز ترک کرد. مستر بودلویچ، که چند ماه قبل از جنرال قنسولی روس در تبریز عزل شده بود، به جای مستر کورتین منصوب شده و تبریز را در ۲۱ ژوئیه به قصد مشهد ترک کرد. در طی هفته‌ای که از ورودش به مشهد می‌گذشت سیاست خصومت‌آمیزی با بانک شاهنشاهی آغاز کرد.^{۳۷}

رقابت و حتی خصومت شعبه بانک استقراضی مشهد با همتای انگلیسی‌اش در این شهر طی سالهای بعد باز هم ادامه یافت و هر یک از این دو بانک از تلاش برای تضعیف دیگری باز نایستادند؛ چنانکه وقتی شعبه بانک شاهنشاهی در آن شهر اعلام کرد که از قبول مسکوکات کهنه و سوراخ‌دار خودداری خواهد کرد و این اقدام بانک باعث نگرانی عمومی شد، بلافاصله بانک استقراضی در یک اقدام متقابل طی اعلامیه‌ای به شرح زیر که در ۱۶ ژانویه ۱۹۱۰ صادر شده بود آمادگی خود را برای قبول بدون صرف مسکوکات کهنه و معیوب در دست مردم به اطلاع عموم رسانید:

به عموم آقایان و تجار احتراماً اعلان می‌نماید: از امروز که یوم سه‌شنبه شانزدهم

۳۶. محمود افشاریزدی. گنجینه مقالات. تهران، موقوفات افشاریزدی، ۱۳۶۸. ج ۱، ص ۲۰۹.

ماه یانوار هذاالسنه است (۱۹۱۰)، اداره بانک مرابحه روس مقیم ارض اقدس قران چرخى و قران کهنه را قبول می نماید بدون صرف و تفاوت.

امضا رئیس بانک روس^{۳۸}

چند سال بعد تاونلی سفیر وقت بریتانیا در تهران، در گزارش مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۱۳ خود به گری، با تقبیح روشهای غیراصولی بانک استقراضی در امور بانکداری، رقابت آن بانک با بانک شاهنشاهی را چنین شرح می دهد:

در بیشتر موارد، روشهای به کار گرفته شده توسط بانک استقراضی روس بیش از آنکه ناظر بر یک بانکداری متمدن عادی باشد، مشابه روشهای یک قطاع الطریق و باج گیر است. به همین دلیل، موسیو مرنارد خود را مجبور دید امور معاملاتی کشور را به جای بانک روس با بانک شاهنشاهی انجام دهد. به همین دلیل، دولت روسیه در صدد برآمد به این عمل خزانهدار کل تعرض نماید. مستر مرنارد بر آن بود به طور بیغرضانه ای با هر دو بانک روس و شاهنشاهی روابطش را حفظ کند اما شروط تحمیل شده از سوی بانک روس او را از انجام این نیت بازداشت.^{۳۹}

مدتی بعد و در ببحوحه جنگ جهانی اول، که روس و انگلیس در جبهه ای متحد بر ضد آلمانیها و طرفداران آن می جنگیدند، باز هم رقابت دو بانک شاهنشاهی و استقراضی ادامه یافت و بالاخره روسها از اینکه بانک شاهنشاهی در حوزه نفوذ و سلطه آنها در بخشهای شمالی ایران از موقعیت تجاری - اقتصادی قابل توجهی برخوردار شده بود سخت عصبانی بودند و از اینکه بانک استقراضی هم نمی تواند موقعیتی مشابه با آن بانک به دست آورد آزرده خاطر بودند.^{۴۰} موارد متعدد دیگری از رقابت و اختلاف دو بانک استقراضی و شاهنشاهی طی دوران فعالیت آنان در ایران در مقاطع مختلف بروز کرد که جهت اجتناب از اطالة کلام از ذکر آنها خودداری می شود.^{۴۱}

۳۸. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ج. ۱، ۱، سال ۱۳۲۹ق، کارتن ۴۰، پوشه ۵.

39. Iran Political Diaries, vol. 5, p. 558.

۴۰. کشف تلیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس. به کوشش عین الله کیانفر و پروین استخری. تهران، زرین، ۱۳۶۳. صص ۱۳۵ و ۱۶۳.

41. Iran Political Diaries, vol. 2, pp. 68, 161, vol.5, p.447.

پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱

پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱

پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱



پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱

پرتال جامع علوم انسانی، فصلنامه علمی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۱۰۰-۱۰۱